

# بررسی مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب با رویکرد زبان‌شناختی بینامتنی

مهدی شوشتری<sup>۱</sup>

نورالدین پروین<sup>۲</sup>

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

## چکیده

درهم تنیدگی متون، حاصل رویکرد زبان‌شناختی به ادبیات و نقد متن محور است. در این زمینه، رهبر فرزانه جهان اسلام به اشکال گوناگون، گاه در قالب مضمون و محتوا، و گاه در قالب الفاظ و فنون بیانی، متأثر از قرآن کریم بوده‌اند. مقام معظم رهبری در حالی که انقلاب کبیر اسلامی ایران چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و وارد دهه پنجم حیات خود شد، روز ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ با صدور بیانیه گام دوم انقلاب، ضمن تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته، توصیه‌هایی راهبردی در زمینه علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و سبک زندگی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی- (ارواحنا فداه)- با سبک و مضمون‌های قرآنی کرده‌اند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی به واکاوی شیوه‌های اثرپذیری بیانیه گام دوم انقلاب از قرآن کریم می‌پردازد. مهم‌ترین نتیجه حاصل از این کاربست این است که مقام معظم رهبری با نگرشی عارفانه و با بهره‌گیری از مضامین قرآنی، چشم‌انداز روشن انقلاب اسلامی ایران و جهان را برای تحقق تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب به خوبی ترسیم کرده‌اند.

## واژگان کلیدی

قرآن کریم، بینامتنی، بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری



۱. استادیار فقه و مبانی حقوق مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)  
۲. استادیار زبان و ادبیات عرب مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)

## مقدمه

قرآن کریم بزرگ‌ترین معجزه پیامبر بزرگوار اسلام (ص) است و بر صدق نبوت حضرتش دلیلی روشن. این کتاب مقدس مجموعه‌ای بس گرانقدر از آیات و دلایل روشن، اخبار و مواظب راسخین، احکام و قوانین استوار و آداب و سنن ارزشمند است که با برخورداری از فصاحت و بلاغتی اعجاب‌آور رهگشای نیازمندی‌های فردی و اجتماعی نوع انسان است. با تأمل در تعالیم ارزنده قرآن می‌توان به این حقیقت پی برد که این کتاب مبین موسوعه جامعی از معارف حیات‌بخش و رهگشا، حقایق نورانی، شگرف و جان‌فزا، قوانین فردی و اجتماعی، احکام عبادی-سیاسی، مقررات مدنی، مسائل قضایی و اقتصادی، فضایل اخلاقی، مواظب و نصایح، مبدأ و معاد، وعد و وعید، خلق و ایحاد، بعث و نشور، اخبار غیبی، قصص انبیا، سرگذشت ملت‌ها، احوال کاینات و اسرار جهان هستی است که در کنار شیوایی بیان، قدرت استدلال و لطافت تعبیر، کمال تأثیر را در نفوس دارد و نیز دارای ویژگی‌های برجسته و جاذبه‌دار دیگری است که از هستی‌آفرینی نشئت گرفته و بر اساس فطرت و عقل سلیم استوار شده است.

آیات قرآن کریم در تکوین و تطور باورهای متفکران مسلمان اعم از متکلمان، فیلسوفان و عارفان، ادیبان و شاعران تأثیرگذار بوده است. با توجه به اینکه هیچ متنی «عاری و منفصل از متون دیگر وجود ندارد، بلکه متون همواره در ارتباط و گفت‌وگو با یکدیگرند هرچند خود بدان اشاره‌ای نداشته باشند» (کیانی، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۶)، این تأثیرپذیری به عنوان بینامتنی شناخته می‌شود که به دو صورت خارجی یا داخلی انجام می‌گیرد. در تأثیر خارجی، شاعر لفظ قرآن را به طور مستقیم در متن به کار می‌گیرد و تأثیر داخلی یعنی شاعر مضامین قرآنی را در اشعارش بگنجانند.

از آنجا که قرآن از متون مهمی است که امامان معصوم (ع) و ادبای اسلامی از طفولیت با آن انس گرفته‌اند، پس بر سبک نویسندگی‌شان به طور مستقیم تأثیر می‌گذارد. چون سبک نویسندگی هر نویسنده‌ای با دیگری متفاوت است، می‌توان با بررسی شیوه نوشتاری نویسنده به شخصیت و مضامینی که بر افکار او مسلط است، پی برد. بنابراین این جستار بر آن است با نگاهی علمی و نقادانه به بررسی بیانیه گام دوم انقلاب پردازد و به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

۱. محور اصلی مضمون‌های قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟

۲. غالبیت وام‌گیری‌های امام خامنه‌ای به چه صورت است؟



## پیشینه تحقیق

براساس اطلاعات موجود، تا کنون پژوهشی مستقل و اختصاصی درباره تأثیر پذیری بیانیه گام دوم انقلاب از قرآن کریم صورت نگرفته است. از پژوهش‌های مهمی که در این زمینه انجام شده است می‌توان به یک مورد اشاره کرد:

- سید محمود مرویان حسینی در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به کلیدواژه‌های مهم در بیانیه گام دوم انقلاب» به بررسی بیانیه گام دوم انقلاب می‌پردازد.

شایان ذکر است نویسندگان در ارتباط با بیانیه گام دوم انقلاب بیشتر پایگاه‌های معتبر علمی را بررسی کرده‌اند و پژوهشی در زمینه بینامتنی درباره بیانیه گام دوم انقلاب یافت نشد. از آنجا که پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر قرآن کریم به بررسی بیانیه گام دوم انقلاب می‌پردازد، کاملاً نو و بدیع است.

## چارچوب نظری پژوهش

### - بینامتنی (تناصر) و انواع آن

موضوع «بینامتنی یا تناصر»<sup>۱</sup> از نظریات جدیدی است که در حوزه زبان‌شناسی و نقد ادبی مطرح شده است. این اصطلاح ترجمه اصطلاح فرانسوی intertext مرکب از دو واژه inter به معنای تبادل و text به معنای متن است. بنابراین معنای لغوی این اصطلاح «تبادل متنی» است. باختین در تعریف بینامتنی می‌گوید: «بینامتنی بررسی و اطلاع از حقیقت تأثیر و تأثر میان متون در تعامل با متون پیش از خود است» (بتیس، ۱۹۹۷: ۱۸۳). «نظریه پردازان امروزی متن‌ها را، خواه ادبی و خواه غیر ادبی، فاقد هر نوع معنای مستقل می‌دانند و معتقدند این متن‌ها در شبکه‌ای از روابط فرو می‌غلطند که کشف کردن یک متن و کشف معنا یا معانی آن، در گرو ردیابی کردن روابط بینامتنی است» (آلن، ۱۳۸۰هـ. ش: ۱۱).

مهم‌ترین هدفی که بینامتنی در پی آن است کشف نشانه‌ها و آثار مثبت متون دیگر بر يك متن است؛ به عبارت دیگر بینامتنی مطالعه و بررسی روابط موجود میان متن حاضر و متون دیگر است تا خواننده به درک عمیق‌تر و فهم بهتری از يك متن برسد (میرزایی، ۱۳۸۸: ۴۶۴-۴۶۵). بینامتنی یکی از ویژگی‌های زبانی سبک است که خواه و ناخواه در یک اثر ادبی دیده می‌شود، زیرا نمی‌توان پدیده تأثیر و تأثر و نقش اساسی آن را در تحلیل متن انکار کرد. بنابراین بینامتنی نقش اساسی در تبادل افکار و اطلاعات و روند گفت‌وگوی تمدن‌ها و



زمینه‌های مختلف فکری، ادبی، دینی و هنری دارد. بینامتنیت بر انواع مختلفی مانند دینی، اسطوره‌ای و ملی و بر قوانین اجترار، امتصاص و حوار استوار است (نجفی ایوکی و یگانه، ۱۳۹۰: ۷). به طور کلی مهم‌ترین محورهای بینامتنی در رابطه با قرآن کریم عبارت است از:

### ۱. نفی جزئی یا اجترار

«در این نوع روابط بینامتنی، مؤلف جزئی از متن غائب را در متن خود می‌آورد و متن حاضر، ادامه همان متن غائب است و کمتر ابتکار یا نوآوری در آن وجود دارد» (عزام، ۲۰۰۵: ۱۱۶)؛ از این رو، متن برگرفته از متن غایب می‌تواند یک جمله یا یک عبارت یا یک کلمه باشد و واضح است که این روابط، شکل سطحی و آسانی از روابط بینامتنی به شمار می‌رود.

### ۲. نفی متوازی یا امتصاص

«بدین صورت که ارتباط بسیار تنگاتنگی بین متن غایب (قرآن) و متن حاضر به وجود آید و بینامتنی در غالب موارد، آگاهانه و با کمترین تغییر در معانی و الفاظ انجام گیرد. به عبارت دیگر، در نفی متوازی، شاعر یک عبارت قرآنی را با همان ساختار، بدون هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی، یا با اندکی تغییر که در تنگنای وزن یا قافیه از آن گریزی نیست، در سخن خود جای می‌دهد» (زعبی، ۱۹۸۹: ۵۶). در واقع «در نفی متوازی یا امتصاص، شاعر نوعی سازش میان متن پنهان و حاضر ایجاد و از معنای متن پنهان دفاع می‌کند» (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸ هـ.ش: ۳۰۶).

### ۳. نفی کلی یا حوار

«این نوع روابط، بالاترین درجه بینامتنی است و به خوانشی عمیق و آگاهانه نیاز دارد که متن پنهان را به زیرکی درک کند؛ زیرا شاعر یا نویسنده در این نوع روابط، متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند، به گونه‌ای که در خلاف معنای متن پنهان به کار می‌برد و معمولاً این امر ناخودآگاه روی می‌دهد» (وعدالله، ۲۰۰۵: ۳۷). «شاعر یا نویسنده، مقطعی از متن غائب را در متن خود می‌آورد در حالی که معنای متن تغییر یافته است؛ زیرا هیچ نوع سازشی میان متن پنهان و حاضر وجود ندارد. به همین دلیل، عالی‌ترین نوع بینامتنی به حساب می‌آید» (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۷).



امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در بیانیه از همه انواع بینامتنی بهره گرفته‌اند. در این جستار، بالاترین سطح تأثیرپذیری را در بیانیه گام دوم انقلاب بررسی می‌کنیم. شایان ذکر است وام‌گیری امام خامنه‌ای در بیانیه از قرآن کریم، بیش از شواهدی است که در این مقاله مختصر آمده است. همچنین گاه برای یک واژه یا مضمون، بیش از یک شاهد از قرآن یافته‌ایم که بنا به ضرورت، برای هر کدام به یک یا دو شاهد اکتفا کرده‌ایم.

## تحلیل مواد بحث

### - بررسی مضامین قرآنی در بیانیه گام دوم انقلاب

همان‌طور که بیان کردیم، در پژوهش حاضر نوع سوم بینامتنی (حوار، حل یا تحلیل) را که بالاترین درجه آن است، بررسی می‌کنیم. در اصطلاح ادبا حل یا تحلیل عبارت است از: تغییر بافت یا ساختار لفظی آیات برای درج در اشعار خویش به واسطه اقتضائات ساختاری سخن (رک: تفتازانی، بی تا: ۳۱۱؛ حلبی، ۱۳۷۴: ۵۳) که در اصطلاح به این عمل مسخ و اغاره یا اقتباس متغیر گفته می‌شود (راستگو، ۱۳۷۶: ۲۹؛ کیانی و همکاران: ۱۳۹۲: ۱۵۷). در اینجا حوار یا نفی کلی را در بیانیه گام دوم انقلاب بررسی می‌کنیم:

۱. «انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه و سوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانیِ چهل سال دوم می‌شود.»

مقام معظم رهبری در ارتباط با ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی با تکیه بر آیه مبارکه بیان می‌کنند: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (احقاف/ ۱۵).

چهل سالگی سن رشد و بلوغ فکری، سن شکرگزاری از گذشته و برنامه‌ریزی برای نعمت‌های موجود و نسل آینده و انجام کارهای صالح است. سن برنامه‌ریزی برای اصلاح



ذریه است. ابتدای آیه خداوند انسان را مورد خطاب قرار می دهد و به او وصیت می کند. اینکه خداوند وصیت کند نشان از اهمیت موضوع دارد. وصیت احسان به پدر و مادر است و دلیل آن را هم بیان می کند. در ادامه می آورد که تلاش های پدر و مادر و کودکی و نوجوانی و خامی تا چهل سالگی باید تمام شود، زیرا چهل سالگی شروع دوران جدید است. دوران رشد و شدت و قوت است. اینجا نشانه های بلوغ را از زبان انسان بیان می کند که خدایا اوزعنی. «أَوْزِعْنِي» از مادّه «اِزَاعَ» به معنای «الهام»، بازداشتن از انحراف، ایجاد عشق و علاقه و توفیق است، ولی بیشتر مفسران معنای اول را برگزیده اند؛ یعنی خدایا توفیق بده که چند کار انجام دهم.

۲. «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب ها را شکست؛ کهنگی کلیشه ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکش نشان دهند.» این قسمت از بیانیه ناظر بر آیات زیر است که با توجه به اهمیت، بارها در قرآن کریم به آن اشاره شده است: «وَعَدَ اللَّهُ لَّا يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۶) يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم/۷). یا آنجا که می فرماید: «و وَيَلِّ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ... أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» (ابراهیم/۲). در بسیاری از آثار اسلامی تصریح شده، بلکه از مسلمات و ضروریات اسلام است که جمع میان دنیا و آخرت از نظر برخوردار شدن ممکن است و برخوردار از دنیا، مستلزم محرومیت از آخرت نیست. چنان که قرآن از کسانی مانند حضرت سلیمان (ع) و برخی از ملوک بنی اسرائیل یاد می کند که در دنیا بهره های فراوانی داشتند و در آخرت هم سعادت مند هستند و نیز به ستایش از مؤمنانی می پردازد که در دعای خود نیکی دنیا و آخرت را می طلبند: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً» (بقره/۲۰۱). درباره حضرت ابراهیم (ع) نیز می فرماید: ما به او در دنیا «حسنة» دادیم و او در آخرت هم از شایستگان خواهد بود: «و آتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» (نحل/۱۲۲).

خداوند مهاجران را از نعمت دنیا و آخرت بهره مند می سازد: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَنْبُوْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَآجِرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ...» (قصص/۷۷) و نیز به قارون سفارش شده که دنیا را به فراموشی بسپارد: «و با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن».



۳. «برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنی است. آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از رویگردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پای‌بندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها.»

یکی از نکات کلیدی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه زنده انقلاب اسلامی است که بین آرمان‌های انقلاب اسلامی و انقلاب پیامبر اسلام (ص) مشترک است. این شعارها بارها در قرآن کریم به صورت‌های مختلف بر قلب مبارک پیامبر نازل شده است که در اینجا نمونه‌های از آن را بیان می‌کنیم:

در ارتباط با «آزادی» می‌توان به این آیه مبارک اشاره کرد: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»: «همان‌ها که از فرستاده [خدا]، پیامبر «امّی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند؛ آنها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر باز می‌دارد؛ اشیای پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند؛ و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود [از دوش و گردن‌شان] بر می‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاری‌اش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.»

«اخلاق» یکی دیگر از شعارهای انقلاب اسلامی است که نقش سازنده‌ای در پختگی و نشاط آن داشته است. بر این موضوع نیز در قرآن کریم تأکید شده است. در سوره مبارکه قلم می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/۴): «و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری!» خود آن حضرت، بنابر حدیث متواتر و معروف، فرمود: «بعثت لأتّم مكارم الاخلاق»: «بعثت با این هدف در عالم پدید آمد که مکرمت‌های اخلاقی و فضیلت‌های روحی بشر عمومیت پیدا کند و به کمال برسد.»



تا کسی خود دارای برترین مکارم اخلاق نباشد، خداوند متعال این مأموریت عظیم و خطیر را به او نخواهد داد؛ لذا در اوایل بعثت، خداوند متعال خطاب به پیغمبر می‌فرماید: «انک لعلی خلق عظیم». ساخته و پرداخته شدن پیغمبر، تا ظرفی شود که خدای متعال آن ظرف را مناسب وحی خود بداند، مربوط به قبل از بعثت است.

«فَمَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/۱۵۹): «به [برکت] رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم [و مهربان] شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب! و در کارها با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، [قاطع باش! و] بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد».

همان‌طور که مشاهده کردیم، یکی از رمزهای موفقیت انقلاب پیامبر، اخلاق نیکو بوده و این امر نیز در انقلاب اسلامی کاملاً واضح و آشکار است؛ لذا اخلاق نیکو لازمه مشترک انقلاب اسلامی و انقلاب پیامبر اسلام است.

«عدالت» به عنوان عامل اصلی استقرار و امنیت در انقلاب اسلامی ایران و بهره‌مندی افراد جامعه از حق و حقوق خویش همواره مورد توجه بوده است؛ چنان‌که عدالت در زمان پیامبر نیز موجب جذب و پیشرفت اسلام بوده است. در قرآن کریم در آیات مختلفی به این موضوع و اهمیت آن در جامعه تأکید شده است. در اینجا نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (الحديد/۲۵): «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منفعتی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است!»

«این «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» نشان می‌دهد که حضور انبیا برای «قیام به قسط» لازم است؛ یعنی رابطه‌ای است بین حرکت انبیا و «قیام به قسط» در جامعه؛ حال این «لام» در «لِيَقُومَ» چه «لام» علیت باشد، چه «لام» عاقبت و نتیجه باشد، فرقی نمی‌کند؛ یعنی نبی باید اقامه قسط کند در جامعه و چون اقامه قسط می‌خواهد بکند، مبارزه می‌کند؛ والا اگر نبی نمی‌خواست اقامه قسط بکند، توحید را نمی‌خواست عملی بکند، انداد الله را نمی‌خواست به





کنار بزند، جهاد لازم نبود. این «وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» برای چیست؟ چرا مجاهدت کردند؟ همه انبیا مجاهدت کردند، حالا بعضی‌ها توانستند، دست‌شان رسید، مقاتله کردند: قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ، [بعضی هم نتوانستند.] ما خبر انبیا را نداریم اما در بعضی از روایات اشاره‌ای هست: أَوَّلُ مَنْ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِبْرَاهِيمُ؛ حالا ما در حالات حضرت ابراهیم [در قرآن] این را نداریم اما در روایت این را داریم؛ و بقیه انبیا [هم] مقاتله کردند، مجاهده کردند فی سبیل الله. در اسلام [هم که داریم] «قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ» یا «الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، این قتال و جهاد برای چیست؟»

«استقلال و عزت» در طول تاریخ حکومت‌ها را از تحمیل زورگویان رهانیده و موجب استقلال و خودکفایی شده است. استقلال و عزت واقعی از عطیه‌های الهی به حکومت‌های اسلامی است که قرآن کریم راه‌های رسیدن به آن را ذکر کرده است و مسلمانان را از وابستگی برحذر می‌دارد: «بَشِّرِ الْمُتَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا \* الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلْيَتُّغُونَ عَنْهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (النساء/۱۳۸-۱۳۹). قرآن برای تأمین عزت و سربلندی مسلمانان و برتری آنان بر کافران و حفظ و صیانت این موقعیت، مؤمنان را موظف می‌کند تا از هر کاری که موجب سلطه و سیطره کافران می‌شود و مسلمانان را به وابستگی می‌کشاند، دوری کنند.

بر اساس آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (النساء/۱۴۱): هرگز خداوند برای کافران راه تسلط بر اهل ایمان را باز نگذاشته است»، خداوند کمترین سلطه‌ای را برای کافران بر مؤمنان تشریح نکرده و هرگونه پیمان فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... را که موجب سلطه کافران و وابستگی مسلمانان گردد حرام و باطل شمرده است.

مسلمانان نباید به ستمگران تکیه و اعتماد کنند: «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ...» (هود/۱۱۳). تکیه و اعتماد بر ستمگران به شکل وابستگی آشکار می‌شود و وابستگی فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی نتیجه‌ای جز اسارت و استعمار و نابودی استقلال ندارد. در آیاتی از قرآن مسلمانان از دوستی با اهل کتاب و کافران که زمینه‌ساز سلطه و حاکمیت آنان و نفی استقلال مسلمانان است برحذر داشته شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا...» (آل عمران/۱۱۸). واژه «بطانه» به معنای لباس زیر و در اینجا کنایه از این است که کافران و بیگانگان نباید محرم اسرار مسلمانان قرار گیرند، زیرا دوستی و اعتماد و وابستگی به بیگانگان موجب نابودی خرد مسلمانان می‌شود.



یکی دیگر از شعارهای فطری انقلاب اسلامی «عقلانیت» و تکیه بر آن است و آیاتی که در قرآن مجید درباره تحریک به تعقل و به فعلیت رسانیدن لُب (خرد محض) و درک خردمندانه وارد شده، خیلی فراوان است. می توان گفت هیچ یک از مکتب ها و جهان بینی های بشری به درک های عقلانی و خردمندانه این همه اهمیت نداده است.

خداوند در قرآن می فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولَى الْأَلْبَابِ» (یوسف/۱۱۱): «قطعاً در داستان های [پیامبران گذشته با جوامع شان]، عبرتی است برای کسانی که دارای خرد هستند». همچنین در آیه مبارک: «فِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَ جَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَ زُرْعٌ وَ نَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَ غَيْرُ صِنَوَانٍ يَسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نَفْضُلٌ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (الرعد/۴): «و در روی زمین قطعاتی پهلوئی همدیگر است و باغ هایی از انگورها و زراعت و درختان خرما از یک ریشه، و ریشه های مختلف با یک آب سیراب می شوند و بعضی از آنها را بر بعضی دیگر در خوردن برتری می دهیم. در این پدیده ها آیاتی است برای مردمی که تعقل می کنند».

«أَمَنْ هُوَ قَانِتٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْأَجْرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر/۹): «یا آن کسی که در لحظات شب در حال سجده و قیام به عبادت خدا پرداخته، از سرای آخرت در حذر است و امید به رحمت پروردگارش بسته است. بگو: آیا مساویند کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند؟ جز این نیست که فقط خردمندان متذکر می شوند». مقصود آیات قرآن، آن عقلی است که با هماهنگی وجدان و فطرت و هدف گیری های معقول، برای حیات معقول، فعالیت می کند و راه را برای پیشرفت مادی و معنوی انسان ها هموار می سازد (جعفری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۷۱).

۴. «انقلاب اسلامی همچون پدیده ای زنده و بااراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف های بی عمل می شمارد، اما به هیچ بهانه ای از ارزش هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می کند.» همان طور که بیان شد، یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی، دفاع همه جانبه و حفظ و توسعه جهانی ایدئولوژی انقلاب اسلامی است؛ زیرا انقلاب اسلامی زنده و دارای پویایی و در پی تصحیح خطاهای خویش است و با آغوش باز پذیرای پیشنهادها و انتقادات سازنده



برای تحقق تمدن نوین اسلامی است. البته این پویایی که رهبر فرزانه بر آن تأکید دارد در قرآن کریم نیز بارها مورد اشاره قرار گرفته است: «مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّهُ غُفُورٌ رَحِيمٌ» (الأنعام/۵۴): «و چون کسانی که به آیات مایمان دارند نزد تو آیند بگو درود بر شما! پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند و آنگاه به توبه و صلاح آید، پس وی آمرزنده مهربان است». همچنین در سوره مبارکه نحل می‌فرماید: «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغُفُورٌ رَحِيمٌ» (النحل/۱۱۹): «با این همه پروردگار تو نسبت به کسانی که به نادانی مرتکب گناه شده سپس توبه کرده و به صلاح آمده‌اند البته پروردگارت پس از آن آمرزنده مهربان است».

۵. «دانش آشکارترین وسیله عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان- به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حسّاس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقا داد، همه و همه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن‌ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت....»

علم و پژوهش یکی از موضوعات مهمی است که مقام معظم رهبری بر آن تأکید داشته‌اند و در اولین توصیه خطاب به ما فرمودند: «علم، وسیله عزت و تسلط جهان اسلام بر دنیاست؛ چنان که بر این موضوع در قرآن بارها و بارها به صورت‌های مختلف تأکید شده است.» رهبر فرزانه انقلاب با تأثیرپذیری از قرآن کریم، این موضوع را به سبکی همه‌فهم و در عین حال



مستحکم بیان فرمودند. قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ»: «بگو آیا دانایان با نادانان مساوی‌اند؟ جز این نیست که تنها خردمندان یادآور می‌شوند». علم در اسلام چنان اهمیت دارد که طلب آن بر هر مسلمانی واجب دانسته شده است. پیامبر اکرم می‌فرماید: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم»: «جست‌وجو و تحصیل علم بر هر مسلمانی فرض و واجب است». به عبارت دیگر، یکی از فرایض و واجبات اسلامی، در ردیف واجبات دیگر، تحصیل علم است. در کتاب‌های روایی همیشه بابی مخصوص با عنوان «باب وجوب طلب العلم» یا عنوانی نظیر آن وجود دارد. جست‌وجو و طلب علم بر هر مسلمان واجب است و هیچ استثنایی ندارد. حتی از لحاظ زن و مرد هم استثنایی نیست، بلکه فریضه علم یک فریضه عمومی است که به طبقه‌ای یا صنفی یا جنسی اختصاص ندارد.

۶. «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و سایر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد. این بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البتّه با دستور و فرمان به دست نمی‌آید....»

دومین توصیه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی درباره اهمیت و توجه ویژه به اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی است. ایشان با ارتباط دقیق بین فضای موجود در عالم و با تکیه بر آیات قرآن کریم این موضوع را به خوبی تبیین کردند. در ادامه نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم را که سخنان مقام معظم رهبری بسامدی از آنهاست، بیان می‌کنیم.

خداوند متعال در آیه شریفه زیر با دعوت بندگان به «دین فطری»، به حقیقت وجودی انسان که سرشته با توحید و متمایل به صفات و اسمای الهی است، تصریح دارد: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِن كَثُرَ النَّاسُ لَا يَعْلَمُونَ (الروم/۳۰)»: «به دین حنیف و فطری توجه نما، به آن فطرتی که خداوند تمام بشر



را بر آن مبنا و اساس آفریده است؛ فطرتی که در خلقت انسان همواره ثابت است و هرگز تغییر نمی‌کند. این است دین استوار و تزلزل‌ناپذیر الهی. «خداگونگی» بسیار ارزشمند و شریف است و به هیچ وجه نمی‌توان نگرشی سطحی به آن داشت و در عین حال حقیقت آن را یافت، که اگر تفکر و تعمق در آن نشود، شناخته نمی‌گردد و در این صورت، در حد و مرتبه یک «تصور» باقی می‌ماند و هر بار که از آن یاد شود، زبانی و لسانی است و نه رفتاری و عملی. به دلیل جایگاه و اهمیت خداگونگی و نقش زیربنایی آن در اخلاق و معنویت، از همان ابتدا باید با یک «انتخاب» مبتنی بر «اراده» و در اوج «آگاهی» و «آزادی» به آن توجه کرد.

در خداگونگی اول، انسان به شناخت و بصیرت می‌رسد و در خداگونگی دوم، همه صفات اخلاقی و خصال معنوی را در رفتار و عملکردهایش بارور می‌کند. به تعبیری دیگر، انسان در خداگونگی اول، صفات و اسمای الهی را می‌شناسد و در خداگونگی دوم آنها را در اخلاق و رفتار و عملکردهای فردی، اجتماعی و سیاسی خود متجلی می‌کند. آیه شریفه زیر، مرحله دوم خداگونگی را به زیبایی تمام می‌نماید: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا (الأنعام/۷۹): «روی دل و چهره جان خود را حق‌گرایانه به سوی حقیقت مطلق کردم که خالق و ابداع‌کننده همه جهان‌هاست».

این آیه در یک بیان کلی، تحقق عملی خداگونگی را نشان می‌دهد و گرایش عملی انسان به خداوند متعال برای متجلی کردن صفات و اسما او را در خود نمایان می‌سازد. آیه زیر به برخی جلوه‌های عملی این خداگونگی اشاره می‌کند: «ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین»: «همانا نماز، عبادتم، زیستتم و مردنم را برای قرب به خداوند و تسلیم در برابر او انجام می‌دهم...».

چنان که این آیات به روشنی و صراحت نشان می‌دهند، خداگونگی انسان از امور معنوی و اخلاقی آغاز می‌شود و اوج می‌گیرد و به سایر رفتار و عملکردهای آدمی تسری می‌یابد. در واقع اخلاق و معنویت در قله رفیع و بلند دین قرار دارد و سایر تعالیم در دامنه‌های این قله جای می‌گیرند. با این توصیف، اخلاق و معنویت، آب خالص و زلالی است که از قله دین جاری می‌شود و بر تعالیم مختلف دیگر دین در دامنه‌ها تأثیر می‌نهد و آنها را جان می‌دهد و طراوت می‌بخشد.

طبیعی است وقتی اخلاق و معنویت، زلال شد، با توجه به تأثیری که هر رفتار و عمل اخلاقی سالم و خالص در سایر اعمال دینی دارد، می‌توان همه فعالیت‌های فردی و اجتماعی



عمومی مردم جامعه، و نیز همه تلاش‌ها در جریان‌ها و جناح‌ها، و همچنین تمام برنامه‌ریزی و ساماندهی و تدبیرها در سطح مدیریت کلان سیاسی را متأثر از این اخلاق و معنویت زلال اسلامی دانست. از آن پس مواجهات سالم و تعاملات خالص می‌شوند؛ وحدت جایگزین تفرقه می‌شود و حریم افراد و شخصیت انسانی و اسلامی آنان محترم شمرده می‌شود؛ رذایل اخلاقی رخت برمی‌بندند و فضایل اخلاقی رخت می‌افکنند.

۷. «اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادّیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البتّه هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است... . انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد...»

یکی دیگر از موضوعات مهمی که همواره مورد توجه رهبر فرزانه بوده است و بر آن تأکید دارند اقتصاد است؛ زیرا ایشان معتقدند اقتصاد نقطه کلیدی برای رسیدن به اهداف اسلامی است. رهبر فرزانه با تأثیرپذیری از قرآن کریم رهنمودهای ارزنده خویش را برای رونق و خودکفایی در اختیار جامعه قرار داده‌اند. در اینجا نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم را بیان می‌کنیم. قرآن کریم ثروت را عامل پایایی و قیام فرد و جامعه می‌داند: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا»: «اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید» (النساء/۵). از آنجا که مال سبب قیام و استقلال است، آن را بنا بر اطلاق مسبب بر سبب، برای مبالغه «قیام» نامیده است (رک: حقی بروسوی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۲۰۲). در بیشتر این آیات، هدف از تسخیر آسمان و زمین، خلقت شب و روز، فرستادن باد و باران و حرکت کشتی‌ها در دریاها، جست‌وجو و طلب روزی معرفی شده است (رک: عباس نژاد، ۱۳۸۴: ۴۳۷-۴۳۸). برای نمونه می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحْوَنَآ آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا عَلْنَآ آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَا»



تَفْصِيلاً): «ما شب و روز را دو نشانه توحید و عظمت خود قرار دادیم. سپس نشانه شب را محو کردیم و نشانه روز را روشنی‌بخش ساختیم تا [در پرتو آن] فضل پروردگارتان را بجوید [و به تلاش زندگی برخیزید] و عدد سال‌ها و حساب را بدانید و هر چیزی را مشخص و آشکارا بیان کردیم» (الإسراء/ ۱۲). «فضل» که جمع آن «فضول» است (رک: ازهری، ۱۴۲۱ق، ذیل «فضل»)، به معنای بیش از حد اعتدال است (رک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ذیل «فضل»). مقصود از فضل و زیادت در این آیه، مال است و آنچه به دست می‌آید و کسب می‌شود (رک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ذیل «فضل»). «اِبْتِغَاءَ فَضْلِ اللَّهِ» در قرآن معمولاً به معنی رزق و کسب و کار مفید و ارزنده است (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۶). خداوند بزرگ در این آیه می‌فرماید: «اگر ما آیت روز را روشن قرار دادیم، برای این است که انسان بتواند در آن، به موقع، رزق پروردگار خود را طلب کند، چون «رزق» فضل و عطای خدای تعالی است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۵۱).

۸. «عدالت و مبارزه با فساد این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها [است] و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنهاست؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌هاست. وسوسه مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست...»

عدالت و مبارزه با فساد از نکات کلید و سرنوشت‌ساز در جامعه اسلامی و اهداف اصلی آن بوده و هست؛ چنان که یکی از اهداف انقلاب پیامبر بزرگ اسلام استقرار عدالت است. در قرآن کریم نیز بارها این موضوع تأکید شده است؛ بنابراین رهبر فرزانه با تأثیرپذیری از قرآن کریم با زبانی ساده و در عین حال متناسب فضای جامعه، به این امر مهم توصیه فرمودند. بر پایه تحلیل و تبیین قرآن از نقش و اهمیت اقتصاد سالم در سرنوشت ابدی بشر این معنا به دست می‌آید که سعادت ابدی انسان یعنی متأله و ربانی شدن و رسیدن به کمک و آسایش و آرامش مطلق تنها در سایه یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از هرگونه فسادانگیزی است؛ چنان‌که خداوند متعال در آیات ۸۴ تا ۸۶ سوره هود به این مسئله اشاره



می کند و می فرماید: «وَإِلَىٰ مَدِينَةٍ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ (۸۴) وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (۸۵): «و به سوی [اهل] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم]. گفت: ای قوم من، خدا را پرستید. برای شما جز او معبودی نیست و پیمانہ و ترازو را کم مکنید. به راستی شما را در نعمت می بینم و [لی] از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم (۸۴) و ای قوم من، پیمانہ و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر بردارید» (۸۵). فسادگری در قرآن به عنوان امری ناشایست و زشت و بد عقلانی و نیز گناه شرعی معرفی شده است (عنکبوت/ ۳۶ و ۴۰) و چون طبیعت و خصلت بشر به فساد گرایش دارد و زمینه های آن در دنیا فراهم است، اصلاحات دایمی به عنوان یک وظیفه الهی و مسئولیت دینی مطرح شده است. بنابراین بر همگان است تا به عنوان یک وظیفه و مسئولیت دینی و الهی، به مبارزه با فساد برخیزند و اصلاحات را مد نظر قرار دهند. عدالت و مبارزه با فساد می بایست همه جانبه و فراگیر باشد. بنابراین اصلاح نفسانی به شکل خودسازی و تزکیه نفس، اصلاح جامعه (اعراف/ ۷۳ و ۷۴) و اصلاح زمین (هود/ ۱۱۶) از وظایف و مسئولیت های عقلانی و الهی بشر است که می بایست همواره مورد توجه و اهتمام باشد.

خداوند در آیاتی از جمله ۱۲ و ۱۴ سوره نمل، مبارزه با هر گونه فساد را از اهداف رسالت پیامبران از جمله پیامبران اولوالعزم دانسته است که به پیروی از ایشان می بایست به رسالت همه مؤمنان و ربانیون تبدیل شود. همین معنا با صراحت بیشتری در آیه ۳۲ سوره مائده بیان شده است. همچنین بخش بزرگی از آیات قرآن به گزارش از مبارزه پیامبران و مؤمنان علیه فساد و مفسدان اختصاص یافته است؛ زیرا برای دستیابی به فضا و بستر مناسب خلافت الهی انسان، لازم است تا مبارزه با فساد و اصلاحات دایمی در دستور کار قرار گیرد.

۹. «استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت های سلطه گر جهان است. آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله ارزش های اسلامی اند و این هر دو عطیة الهی به انسان هایند و هیچ کدام تفصل حکومت ها به مردم نیستند. حکومت ها موظف به تأمین این دواند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر می دانند که برای آن جنگیده اند. ملت ایران با جهاد چهل ساله خود از جمله آنهاست...»





با توجه به اهمیت استقلال و آزادی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه بارها این موضوع را بیان می‌کنند. همان‌طور که در این زمینه سخن رفت، در قسمت توصیه‌ها نیز بر این موضوع تأکید کرده‌اند. بالاترین هدف انقلاب پیامبر بزرگ اسلام همانا آزادی و استقلال افراد جامعه از جهل و سیطره حاکمان ظالم بود. این امر مهم در قرآن کریم مورد توجه ویژه است. بر اساس آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»: «هرگز خداوند برای کافران راه تسلط بر اهل ایمان را باز نگذاشته است» (نساء/۱۴۱)، خداوند کمترین سلطه‌ای را برای کافران بر مؤمنان تشریح نکرده و هرگونه پیمان فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... را که موجب سلطه کافران و وابستگی مسلمانان گردد، حرام و باطل شمرده است.

سبیل در لغت به معنای «راه» و در این آیه به معنای نصر، حجت در دنیا، حجت در آخرت، سلطه اعتباری و سلطه خارجی دانسته شده است. آیه نفی سبیل به دو جنبه ایجابی و سلبی اشاره دارد. جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه جامعه اسلامی و حاکمان آن در حفظ استقلال و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است و جنبه سلبی آن ناظر به نفی سلطه بیگانگان بر سرنوشت سیاسی- اجتماعی مسلمانان است. بر اساس مفاد حرف نفی «لن» که به معنای نفی ابد است، کافران هیچ‌گاه در هیچ زمینه‌ای شرعاً نمی‌توانند بر مسلمانان مسلط شوند و نفی سبیل بر همه روابط خارجی در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی حاکمیت دارد و همه روابط باید بر این پایه استوار باشد و با آن ارزیابی شود. به گزارش قرآن، اصحاب خاص پیامبر (ص) در انجیل به زراعتی تشبیه شده‌اند که جوانه‌هایش به تدریج نیرومند شده و بر پای خود ایستاده است، به گونه‌ای که کشاورزان را به شگفتی وا می‌دارد: «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» (فتح/۴۸). این تمثیل، به ویژه با توجه به تعبیر «فَاسْتَوَى عَلَى سَوْقِهِ»، اشاره‌ای گویا به استقلال جامعه اسلامی دارد. براساس اسلامی بودن انقلاب ایران، استقلال یکی از پایه‌های اصلی آن است.

«لا إكراه في الدين قد تبين الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى...» (بقره/۲۵۶): «در دین هیچ اجباری نیست. هدایت از گمراهی مشخص شده است، پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به رشته استواری چنگ زده است.»

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه مبارک می‌آورد: «جمله «لا إكراه في الدين» دین اجباری را نفی می‌کند؛ زیرا دین- به عنوان مجموعه‌ای از معارف علمی که پاره‌ای از مسائل عملی را

در پی دارد - اعتقاد است و اعتقاد و ایمان از امور قلبی و درونی است که در حوزه اجبار و اکراه قرار نمی‌گیرد؛ زیرا اجبار و اکراه در رفتار و افعال ظاهری و جسمی کاربرد دارد و نه در امور قلبی و درونی که اسباب و علل مخصوص به خویش دارد.» سپس می‌افزاید: «این آیه بر خلاف پندار گروهی از پژوهندگان و ناآگاهان که با استدلال به آیات جهاد - که یکی از ارکان اسلام است - می‌گویند اسلام دین شمشیر است، از جمله آیاتی است که دلالت می‌کند دیانت اسلامی بر اساس و پایه خون و شمشیر پا نگرفته است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۴۳). سید قطب نیز در تفسیر این آیه می‌گوید: «آزادی اعتقادی نخستین حق انسانی است که برای بشر از آن رو که انسان است، ثابت می‌باشد. بدین سبب، هر کس که آزادی عقیده را از انسان بگیرد، پیشاپیش انسانیت او را می‌ریاید. اگر گزینش و انتخاب عقیده آزاد بود، آزادی تبلیغ و دعوت با فکر و اندیشه‌ای و در امان بودن از فتنه و آزار نیز مسلم خواهد بود، چه اگر آزادی تبلیغ و دعوت به اندیشه فراهم نباشد، در واقعیت بیرونی و خارجی، جز نامی از آزادی اندیشه و عقیده وجود نخواهد داشت» (سید قطب، ۱۳۸۶-۱۹۶۷، ج ۱: ۲۲۶).

۱۰. «...گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه، اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آمد. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حلّ خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حلّ هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت...»

مقام معظم رهبری در بیانیه ضمن توجه به روابط خارجی و حفظ عزت ملی، با تکیه بر قرآن کریم، بر شناخت دشمنان و راه‌های مقابله با آنان تأکید و رهنمودهای خویش را بیان کردند. در اینجا نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم را که کلام رهبر بازتابی از آنهاست، بیان می‌کنیم:

«و بشر المنافقین بان لهم عذاب الیم الذین یتخذون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین ایبتغون عندهم العزة فان العزة لله جمیعا» (النساء/۱۴۸). قرآن در این آیه مسلمانان را به



عزت واقعی که در سایه جمع ایمانی و در سایه الله حاصل می‌شود، دعوت و از عزت ظاهری که در سایه تکیه بر کفار حاصل می‌شود، نهی می‌کند.

در دین اسلام ارتباط با مشرکان و کفار برای رفع نیازهای اضطراری مانعی ندارد، اما دوستی و تکیه کردن به آنان و نیز گره زدن سرنوشت جامعه دینی در قالب مسائل مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی برای جوامع دینی ممنوع است. به عبارت دیگر، سطح روابط نباید در حد ائتلاف‌ها و اتحاد با آنان باشد؛ زیرا این عمل باعث می‌شود تا آنان بر مؤمنان مسلط شوند و بر اعتقادات آنان و فرزندان‌شان تأثیر منفی بگذارند. با عدم ارتباط طبعاً دشمنان نیز چنین تسلطی را از دست خواهند داد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ (مائده/ ۵۷)»: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، افرادی که آیین شما را به باد استهزا و بازی می‌گیرند، از اهل کتاب و مشرکان، دوست و تکیه‌گاه خود انتخاب نکنید».

دشمن‌شناسی، شناخت راه‌های مقابله با دشمن و ممنوعیت دوستی با دشمن، در آیات بسیاری مورد اشاره قرار گرفته است از جمله: احتیاط در برخورد با دشمن (بقره/ ۱۲۰؛ آل عمران/ ۶۹)؛ دوستی نکردن با دشمن (نساء/ ۸۹ و ۱۴۴؛ مائده/ ۸۲؛ ممتحنه/ ۱ و ۴)؛ ایمن ندانستن خود از وسوسه دشمن (نساء/ ۴۴ و ۴۵)؛ نگفتن راز به دشمن (آل عمران/ ۱۱۸ و ۱۲۰؛ منافقون/ ۱۴)؛ سازش‌ناپذیری در برابر دشمن (آل عمران/ ۱۴۶؛ هود/ ۱۱۳)؛ پرهیز از دوستی با یهود و نصاری (مائده/ ۵۱ و ۵۲).

### نتیجه‌گیری

از نکته‌های قابل تأمل در مضامین قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب، جهت‌گیری خاصی است که این آیات را در مسیر تزکیه، تربیت، عدالت، استقلال، عزت، اخلاق و اقتصاد، جوانان و... به کار گرفته و خالی از هرگونه تکلف است، بلکه به زبان ساده و در عین حال ادبی بیان شده است. از ویژگی‌های بارز مضامین کلامی رهبر فرزانه پیوستگی و انسجام موضوعات است که در نهایت موجب تمدن نوین اسلامی می‌شود.

غالب وام‌گیری مقام معظم رهبری از نوع سوم یعنی حوار است. این وام‌گیری آگاهانه و به صورت مستقیم است. بنابراین رهبر فرزانه در بستر آموزه‌های اسلامی، غالب کلام خویش را بر اساس تعالیم ارزشمند قرآن بیان کرده است. روابط بینامتنی قرآن با بیانیه گام دوم انقلاب،



به گونه‌ای زیبا و مبتکرانه رخ داده است. به عبارت دیگر، وام‌گیری‌های هنرمندانه از قرآن از ویژگی‌های برجسته سبک بیانی رهبر به شمار می‌رود. بهره‌گیری مقام معظم رهبری از مفاهیم قرآن در بیانیه گام دوم انقلاب، ایشان را در رسیدن به هدف مد نظرش یاری کرده است. نگاهی کلی به بیانیه گام دوم نشان می‌دهد که ایشان به خوبی بن‌مایه‌های فرهنگ مردمی و دردهای روحی و اخلاقی و نقاط مثبت و ضعف جامعه را کشف کرده‌اند و با تأثیرپذیری از مضامین خاص قرآنی، از یک سو به بیانیه گام دوم صبغه‌ای قرآنی بخشیده‌اند و از سوی دیگر، با طرح راهبردهای همه‌جانبه، به بیانیه رویکردی مردم‌گرایانه عطا کرده‌اند.



## منابع فارسی و عربی

### - قرآن کریم

- ازهری، أبو منصور محمد بن أحمد (۱۴۲۱ق.)، تهذیب اللغه، چ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- آلن، گراهام (۱۳۸۰هـ.ش)، بینامتنی، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- بنیس، محمد (۱۹۷۹م)، ظاهرة الشعر العربی المعاصر فی المغرب، بیروت: دارالعودة.
- التفتازانی، سعدالدین (۱۴۱۱)، مختصر المعانی، قم: دارالفکر.
- جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۸۴)، قرآن، نماد حیات معقول، ج ۱، چ ۳، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- حقی بروسوی، اسماعیل (۱۴۲۱ق.)، تفسیر روح البیان، تصحیح احمد عزّ و عنایه، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- راستگو، سید محمد (۱۳۷۶)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق.)، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دار القلم.
- زعبی، أحد (۱۹۸۹)، التناص نظریاً و تطبیقاً، ط ۲، عمان: الأردن، مؤسسه عمریه.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق.)، المیزان فی تفسیر قرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عباس نژاد، محسن (۱۳۸۴)، قرآن و اقتصاد، مشهد: مؤسسه انتشارات بنیاد پژوهش های قرآن، حوزه و دانشگاه.
- عزام، محمد (۲۰۰۵م)، شعرية الخطاب السردی، ط ۱، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- قطب، سید (۱۳۸۶-۱۹۶۷م)، فی ظلال القرآن، چ ۵، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- کیانی، سمیه (۱۳۹۳)، بررسی ساختاری و مفهومی قرآن کریم در اشعار فیض کاشانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، راهنما: جهانگیر امیری.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- میرزایی، فرامرز، و ماشاءالله واحدی (۱۳۸۸هـ.ش)، «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، ش ۲۵ (پیاپی ۲۲).
- نجفی ایوکی، علی و فاطمه یگانه (۱۳۹۰)، «اشکال التناص الیدینی فی شعر خلیل حاوی»، مجله دراسات فی اللغة العربیه و آدابها، فصلیه محکمه، العدد السادس، صیف.
- وعدهالله، لیدیا (۲۰۰۵م)، التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصره، ط ۱، دار المنندلاوی.



